

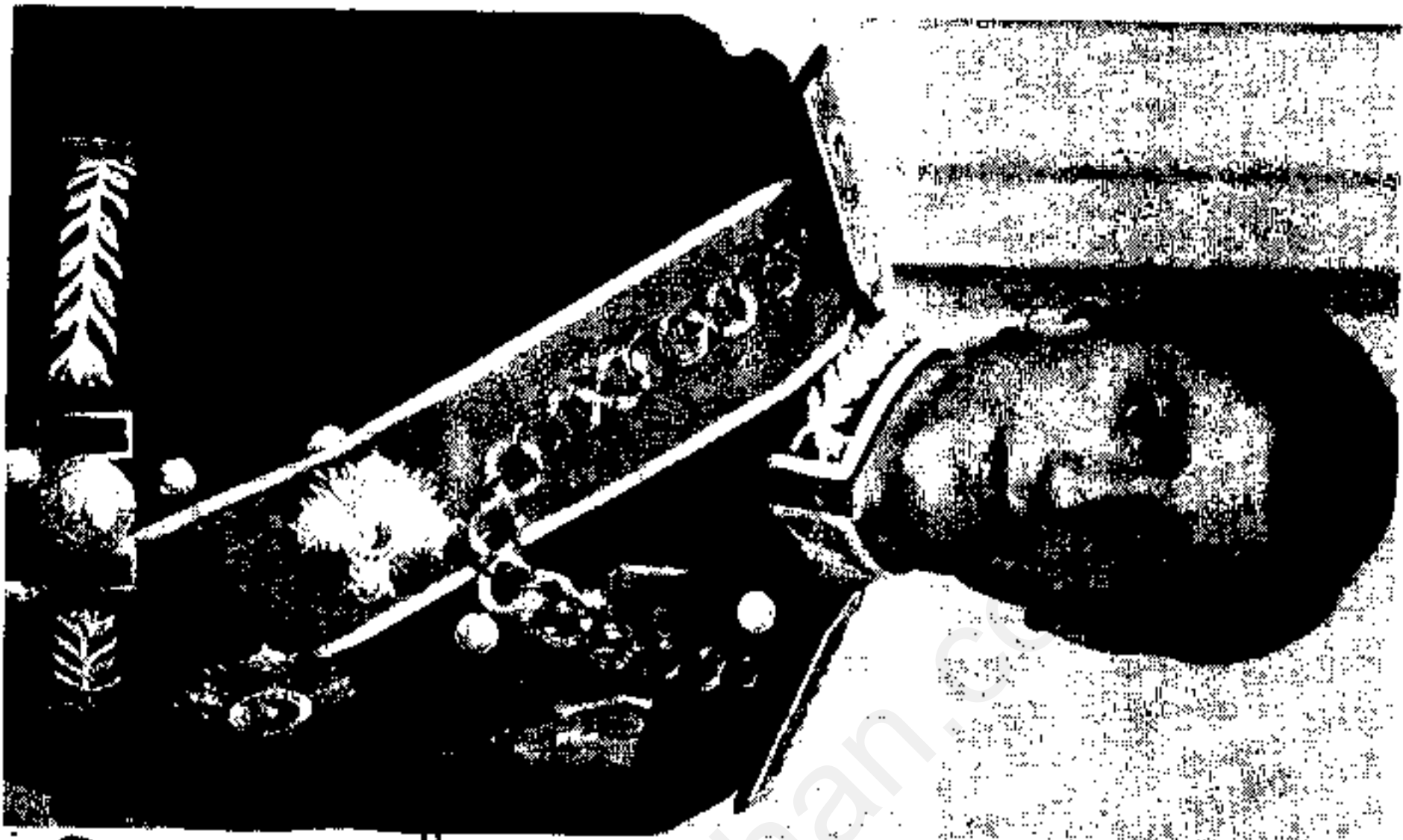


در سومین
روز
نظائر ان
عقبه شاه
مخلوع

دهمها نغز در نظر امیرات ضد شاه در پادانا مامجر و وح و زنادی شدند

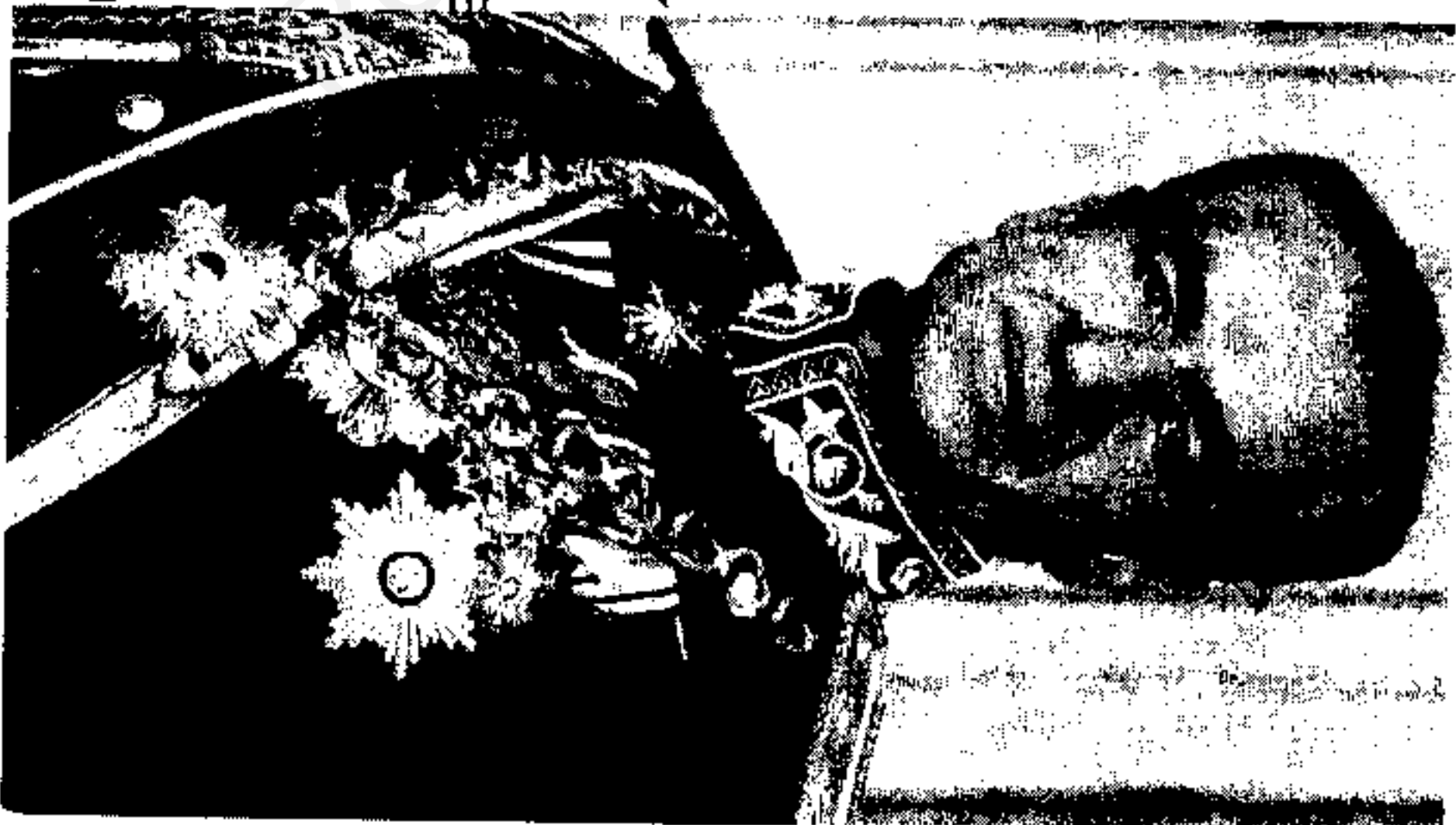


شاه مخلوع
فرودا باها ما را
تو ک میکند



۱۰ میلیون
در پال جایزه
برای ترو شاه

دست
شماره ۱۵ زم





حکم جلب شاه مخلوع صادر شد

در نامه وزارت خارجه ایران به رئیس جمهوری پاناما جهت نام آگاهی محترمانه بطوری خوانده شده و بنا به فصل ۱۱ از اصل چشم قوانین حقوقی پاناما تقاضای تحویل او شده است. بهر حال مأمور رئیس جمهوری پاناما مدتی پیش گفته بود که کشورش آماده بررسی تحویل شاه است مگر در آنکه گروه گانهای آمریکایی آزاد شوند.

در پیام خطاب زاده به رئیس جمهوری پاناما اضافه شده است: «ما تاکید می کنیم که تقاضای رسمی برای تحویل شاه به واسطه ۶۰ روز از تاریخ دستگیری او فرستاده خواهد شد.»

شاه مخلوع از طریق تلکس برای رئیس کمیسیون «رئیس جمهوری پاناما فرستاده شده است. این حکم از طریق صادق قطب زاده به رئیس جمهوری پاناما ابلاغ شده و از او خواسته است که بنا به قانون ۱۹۳۶ پاناما، شاه را تفریب کند. به علاوه از او خواسته شده است که بنا به ماده دیگری از همان قانون «تربیع شد» ترو تخطی و وسایل دیگری را که در اختیار شاه مخلوع است ضبط کند. «این اقدام دولت ایران به دنبال بیانیه ای صورت میگیرد که روز ۲۳ دسامبر (۲ دیماه ۵۸) به دولت پاناما فرستاده شد و تقاضای تحویل شاه مخلوع را کرده بود.»

واشینگتن - یوتا پسترس - شبکه تلویزیونی آمریکایی «ان بی سی» گزارشی داد که در امرت آرطاد «سنگوی شاه مخلوع جهت دریافت تازم واشنگتن شده تا برخورد نماید که چندین بار از پاناما برای شاه با کاغذ سفید مذاکره کند. سنگوی شاه مخلوع گفته است تنها دلیلی که محترمانه را به پاناما گذاشته این بود که تصور می کرده است رفتنی به آنها در آزادی گروه گانها موثر خواهد بود.»

در ارتباط با چندین ساله ای خبرگزاری فرانسه گزارشی داد که در آن دو وکیل مدعی پنجاهه شب گفته اند که حکم بطور دستگیری

مهمترین در آخرین لحظات عزیمت از ایران به پکنی از همسران گفت :

تو هم بگو هر گ بر شاه!

بختیاری می خواست رئیس جمهوری شود

بختیاری می خواست رئیس
جمهوری شود. شاه سابق جمهوری را
بند و جود از رئیس جمهوری
خواست. روزی که بیت حرم
رأس حضور حسی را همسران
بهرتت هم شورای امنیت
بی طرح کرد. بلافاصله بنا
مصافت حرمی فریادند. آن
نیروی رهبری که تو جدا
فرگیری پس از پیروزی انقلاب
گفته شد. روزی شد. حرمی
که از زبان ستوان یکی فر
در بار خدمت میگرد. بگزار
سرپردهگان و لوکران نزدیک
به شاه بود. وی که از پیشانی
بختیاری جمع آفرینند
انته بود. هفت تیر جو
از کمر باز کرد و به
بختیاری هجوم برد و میخواست
وی را بکشد که همسران دیگر
مانع شدند.

یکی از رجال دوره مابو که در بسیاری از جریانها
برده وارد بود. امروز مطالب مهمی درباره آخرین روزهای
الامت شاه در اختیار گیجان گذاشت که در زیر می آوریم:

روزی که شاه سابق می
خواست ایران را ترک کند
سخت آسوده بود. چند مرتبه
آهسته گریست.

حسی در حجاز و بیست
لریش که در واپسین لحظات
عزیمت شاه نسبت از چلووسی
و نطق بر نغمه داشتند. هر کدام
شروع به نطق گویی کردند.
جدا از آرزو می کردند که
شاه دوباره برگردد.

یکی از همسران سر
که همی را در حرم
گسارنده بود. چون روزی
بای شاه انداخت و بیست
چلووسی گذاشت. شاه که
در آخرین لحظه چهار چشمه
برده و چلووسی چلووسی گذاشت

حدا که همه می گوییم
بهرگی بر شده بود. هر
هر گ بر شاه و بجای نه.

قول می نمی بستند.
وزیر اسبق که در روزهای آخر
حزب شاه چندبار حضور
می شد. کل می گفت که شاه
سابق در روزهای آخر بطور
کلی منگی شده بود. گسه
فرشت که شمس احضار شده
نیم ساعت صحبت می کرد و می
شد به گفته های وی و حرمی
نداشت. در حلال باصطلاح
شرقیایان قبل از حاضر
شدگان اجراء بر شاه گسه
پنهانند و گفته های خود را بیان
کنند.









شماره ۱۱
 هفته ۱۳ بهمن ۱۳۵۸
 روزنامه سوره شماره ۱۳۶۹



**اسلحه شاه مخلوع
 در شیراز تحویل داده شد**

شیراز - اسلحه‌های شاه مخلوع که در شیراز یافت شده است، در روز شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۵۸ به دست مقامات امنیتی تحویل داده شد. این اسلحه‌ها شامل تفنگ‌های گلوله‌خیز و کتک‌ها می‌باشد. همچنین تعدادی از اسلحه‌های کهنه نیز در این میان دیده شد.

دکتر اردلان گلست: **قانون تسهیلات مالیاتی در دست تهیه است**
 استفسارهای جدید با طرح و شکل تازه در جریان کار است
 صفحه ۲ - جدول دوم

دیدار مهم
بازرگان
و اعضای
دولت با امام

کتابخانه
 ۱۵ تیر
 ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ - شماره ۱۰۲۴۲

شاه مخدوع سرگرم تند ارک کورد تانست

۱۵۰ تن از اسیران در این کودتای سرگرم تانست

کودتچیان از قاجیه
 سر و اسیران
 حمایت می‌جویند
 صفحه ۲ - جدول اول

رئیس کل بیمه مرکزی ایران
 وضع کار صندوق بیمه تقبیر نخواهد کرد

اسرار حمله و نه با دگان لوپوزانی فانی شش

لحظه‌های سرخ...
 کیهان، لحظه‌های سرخ
 و تپنده‌ی انقلاب را، ثبت می‌کند

● به‌تازگی چهار ویلک
 سرکار اسیران یادگان
 را کاپور نظامی روس
 مشغول سرف کتار
 بودند هم‌کار گلوله
 بستند
 سکان بیرون به‌کلی
 تیرباران به‌شدت از همه
 پادگان بیخ کن شد. در
 تیر سینه‌ی روسی پیدا
 کرد
 صفحه ۲ - جدول دوم

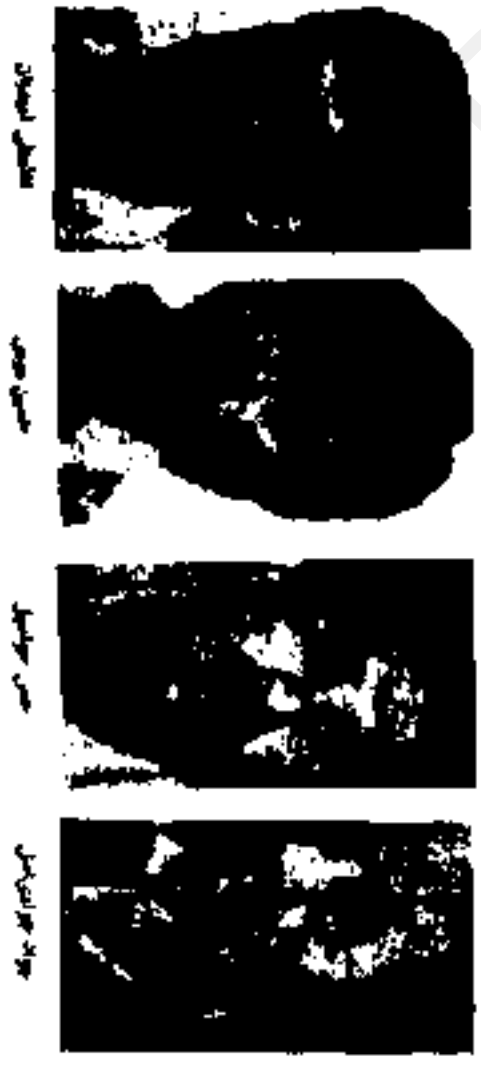
انتشار لیست
سلوواکیهای
دانشکده
حقوق
گتف
اتومبیل
های
مسروقه
دانشگاه
علوم ۴
دانشجو
می‌بلند
 صفحه ۲ - جدول دوم

زن دوم شاه سابق «طلا» را تعقیب کنیم

یک زن همسر گفت سابق به دستور شاه بود



سور، لوزی، طلا، سیمین، و... (names partially visible)



مصدق، پهلوی، پهلوی، پهلوی، پهلوی (names partially visible)



بناست ۳۶ دی روز شاه سوزی !....



شاه سابق به باهاما رفت

سرگازی فرانسه از راهبصل از یک صبح صبح سرگازی شاه شاه
شاه ایران به همراه همسرش در روز یکشنبه برای سفر به باهاما
رفتند. در این سفر، شاه و همسرش در یک هواپیمای اختصاصی از تهران
به باهاما رفتند. در این سفر، شاه و همسرش در یک هواپیمای
اختصاصی از تهران به باهاما رفتند. در این سفر، شاه و همسرش
در یک هواپیمای اختصاصی از تهران به باهاما رفتند.

محافظ شاه سابق دستگیر شد

محافظ شاه سابق در تهران دستگیر شد. در این مورد،
گفته شده است که این شخص در جریان سفر شاه سابق به
باهاما دستگیر شده است. در این مورد، گفته شده است که
این شخص در جریان سفر شاه سابق به باهاما دستگیر شده
است. در این مورد، گفته شده است که این شخص در جریان
سفر شاه سابق به باهاما دستگیر شده است.



نظر حقوقدانان ایران درباره محاکمه شاه

شاه چگونه باید محاکمه شود

شاه که با تازم تمام می‌شود، حکایت اصلی حضرت
معمولی، حکایت شاهنشاه از سادگان بزرگ
از شکران کسی که زمامت مسئول و حاکم
بر مناسبت و وفاداری گویایی با مورسین
کشایان او کافی بود تا هر چه دست می‌خواست
بکشد.

این را بدمتای مردم می‌گویند و حرف آخر که
چگونه باید او را بکشد گرفته و به محاکمه می‌شود
یا هر کسی که در باره شاه سابق حرف می‌زند و از
مردمان می‌رسد، از او می‌رسد.
چند فرزند هر که را موضوع صفای کرده
بند مستقیم نقل و شکسته و کلمات صادر کرده
چند نوبت باقی نماند و سران شاه، سزید،
پلغیه، پیروزیه، این کفر را بکنند، آن کفر را
بکنند می‌گویند نمی‌توانست در امرش چند
می‌گردد، آیا آن موقع که پولها را می‌بهره آن
موقع که حساب از دستهای او می‌رسد، آن موقع
که فرمانهای سواران را در موضوع میگرداند دیگر
کسانی بر دم ستمیده نبودند
صحت از محاکمه شاه است، شاه سابق، یا چند
حقوقدان در این مورد گفتگو می‌کنند تا چوبی
برای بر خیز از پرسشهای مردم که اینها را در هر
مجلس مطرح شود، پیدا کنند.

محمد خدیجه خدیجه استرآباد

مجلسین
دکتر حسینعلی مأمون
حقوقدانان ایران در پاسخ این سؤال که ایران
از نظر حقوق بین‌الملل چگونه می‌تواند انقلابی
استرآباد شاه را بگذرد، گفته:

اصولاً محاکمه شاه در یک صورت در کشور
حقوق بین‌الملل مطرح نیست، بلکه این مسئله
بیشتر در کشور روابط بین دو کشور طرف قرار داد،
مطرح می‌شود. کشورهایی طرف یک کشور
قرار دادی، موظف هستند که در هر چه را به کشور
در خواست کننده تعویل دهند. ولی نباید فراموش
کرد که قانون استرآباد در هر چه در مورد
سیاسی اجرا نمی‌شود و در این مورد سوره پایه از
رویه‌های قضایی موجود در کشورها کمک گرفتند.
رویه‌های قضایی باید در چنین موارد نظر به
مهر می‌گردد استرآبادی در خواست شده است
یک مجرم عادل است و یا سر تکب جرائم سیاسی
شده داده شده است، نمی‌توان او را یک مجرم
سیاسی دانست. در حال حاضر باز گرداننده شده به
ایران و جوانی را مطرح خواهد کرد. بین دولت‌های
ایران و عراقی، در این مورد حقوق‌مدان و رویه
دادگستری دو کشور همین تکلیف می‌کنند. اگر
حقوق‌مدان دو کشور ضمن استفسار
گفتگو می‌کنند به این نتیجه می‌رسند که مجرم مورد
نظر، یک مجرم عادل است، باید دولتی را که این
مجرم را به خود پذیرفته است، موظف کنند که او را
به کشور در خواست کننده باز گردانند. ولی تکلیفی

که نباید اجرا یافته گرفته، این است که در مورد
ایرانی قانون استرآباد در هر چه در مورد
ایرانی وجود ندارد و این مسئله در نهایت مربوط
می‌شود به روابط بین دو کشور.
دادگاه چگونه خواهد بود؟

دکتر لاهیجی مستقیم در مورد نوع و ترکیب
دادگاه می‌گوید که شاه باید در آن محاکمه شود، اظهار
داشتند من شخصاً عقیده دارم که محاکمه باید در
خرمان و در شرایطی توسط حقوق‌مدان و است
نظارت آنجا انجام گیرد. محاکمه باید در شرایطی
کاملاً آزاد و ضمن صورت بگیرد. و باز هر اصطلاح
دارم حتی اگر شخصی از جمله ترین اشکالات او
سرا باشد و این اشکالات را چنانچه به از دست داده
باشد، حق دفاع از خود و حق داشتن وکیل را حتماً
باید داشته باشد و خلاصه از تمام اشکالات قانونی
برای دفاع از خود استفاده کند. دکتر لاهیجی در
مورد این که لازم است شاه در یک دادگاه خلق
محاکمه شود و یا در محاکمه دادگستری، گفت: این
مسئله اثر به قدرت و قاطعیت خود نداشته. اگر
در یک کشور دادگستری، حیوانیست کیفیت
رسیده و در آن نظر قضات باید به رسیدگی به
این چنین پرونده‌هایی آماده لازم را داشته باشد.
به نظر من پیش از این استرآبادی بهتر از دادگاه خلق
خواهد داشت. در هر چه در خصوص حقوق‌مدان در پاسخ
این پرسش که آیا برای محاکمه شاه سابق مقررات
و قوانین باید رعایت شود یا خیر گفته: مستقیم
مقررات موجود در باره محاکمه قضایی شاه لیبرال و
عادلانه وجود ندارد. گفته از این، حتماً باید در
مقابل قانون سیاسی مسئله، با توجه به اینکه شاه
از نظر قانون اساسی سابق در هر چه مستقیم به
حساب می‌آید، بنابراین با توجه به فعالیت‌های او
امور سیاسی به عنوان فردی غیر مسئول مرتکب
احمال خلاف قانون شده است و به طور کلی با توجه
به جرم‌هایی که مرتکب شده است، باید به عنوان
مسئول مستقیم محاکمه شود.

دادگاه انقلابی، ضوابط انقلابی

از دکتر حسینعلی مأمون دلاوری نامی رئیس
قانون و کلا در مورد این که چگونه می‌توان خلق از
تکلیف شاه در کشور حساب استفاده شد، مستقیم
گفت: در این باره، این مسئله بیشتر مربوط می
شود به روابط موجود بین دو کشور و هم چنین
تولاتی‌های کشور در خواست کننده که البته در
این میان منابع دو کشور نیز می‌تواند نقش موثر
و جدی داشته باشد.
دکتر حسینعلی مأمون در مورد ترکیب هیات
قضایی که لازم است بر دادگاه شاه نظارت کند
گفت: ایرانی که ما در حال حاضر در مورد
ترکیب هیات مستقیم دارای مقرراتی صلب استفاده
است و چنین حالت نیست. یک دادگاه انقلابی
باید ترکیب انقلابی داشته باشد و تمام مردم
نمایندگانی در این دادگاه داشته باشند. به نظر من



بیش بسوی تشیل
در آنگاه انقلابی خلق

طرح از نمایشگاه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

فکر و تأمل کرد. روابط رژیم گذشته با مسئول
بین‌المللی پول و بانک جهانی، شرکت ملی کربوب،
کریست، گرومان، گریسترون، لوسون در این
رویه قرار می‌گیرند.

کاملاً در خصوص قراردادیها و سرمایه گذاریهای
شخصی شاه و راه دفاع از صفای این قراردادیها و
نموده باز می‌گردان آن‌ها بحث حقوقی بشود در
نظر هر کس جنبه ملی سیاسی و اقتصادی داشته
بیش است بی‌شود اصلاً از مسئله تقسیم صرفاً
حقوقی شاه نباید در دادگستری که از تقسیم
مسائل حقوقی بین‌المللی شامل مسئولیت
به کیفیت دادگستری که بسیاری از امور
از تقسیم تقسیم داده شد، حتماً باید
و به مسئله تقسیم مسئله مستقیم و
مسئله امثال او بشود از حکم دادگاه استفاده
بعداً. نکته با مقرراتی که در حقوق بین‌الملل
خصوصی وجود دارد، می‌تواند برای اجرای حکم
دادگاه در مورد و برای تقسیم حساب‌های شخصی شاه
در بانک‌های خارج و استرآباد وجود صورت، به
ایران اقدام کرد. به مسئولان تقسیم و مسئولان
ایرانی این امر باید از مسئله ادامه یا شطرنج
خارجی گسترده و احیال فشار اقتصادی به
کشورهایی که بانک‌های دارند حساب تابع آن‌ها
حکومت استفاده کرد.

لازم مسئله استعلام میزان وجوه سپرده شاه از
بانک‌های خارج و عکس العمل این بانک‌ها از لحاظ
اقتصادی و با خودداری از افشای ارقام دارایی‌های
مربور، تسلیح مقررات داخلی و خصوصاً خود
بانک‌ها است که در مورد هر بانک به‌طور جداگانه
باید بررسی شود.

انتخاب نمایندگان بهتر است از طریق فرقه کشی از
میان مسئولان گروه ملی مستقیم تقسیم شود تا
تقسیم تقسیم خاصی به عنوان مجری از اعضای
هیات مستقیم تقسیم به شکل دادگاه وارد نشود.

دکتر حسینعلی مأمون در مورد دادگستری انقلابی
گفت: حاصل هر انقلاب نهادهای انقلابی است.
اگر بخواهیم به نهادهای سیاسی مراجعه کنیم که در
جهت دفاع از کس رژیم سابق بودیم. هر چه طرح
انقلاب را کند که نباید به عقیده من یک دادگاه
انقلابی باید بر اساس ضوابط انقلاب تشکیل شده
باشد که در این صورت صلاحیت لازم برای
رسیده می‌باشد و خواهش داشتند. در جریان هر
انقلابی اگر ما دادگستری مستقل و مستقل می
ماندیم در آن صورت هیچ محاکماتی نمی‌توانست
طرح از دادگستری صورت می‌گرفت در حال
حاضر هر دادگستری می‌تواند در چهار چوب صورت
قضایی انقلابی و یا در نظر گرفتن ملی دیگران
در هر چه صاحب صلاحیت برای رسیدگی به جرائم
باشد.

لزوم اعتبار بین‌المللی دادگاه

در مورد مقرراتی شاه و چگونه استرآباد آن به
مستقیم از تقسیم زلفشان و کس دادگستری
مستقیم کردیم. زلفشان در پاسخ این سؤال گفت:
اولاً باید برای سرمایه گذاریهای ایران در
بانک‌ها و مؤسسات خارجی و از قراردادی و سرمایه
گذاری شخصی شاه تفکیک کرد. زیرا رژیم گذشته
وجود قابل توجهی به صورت سپرده و یا سرمایه
گذاری در اختیار مؤسسات استرآبادی و اقتصادی
امور تقسیم گذارده است که برای این‌ها نیز باید



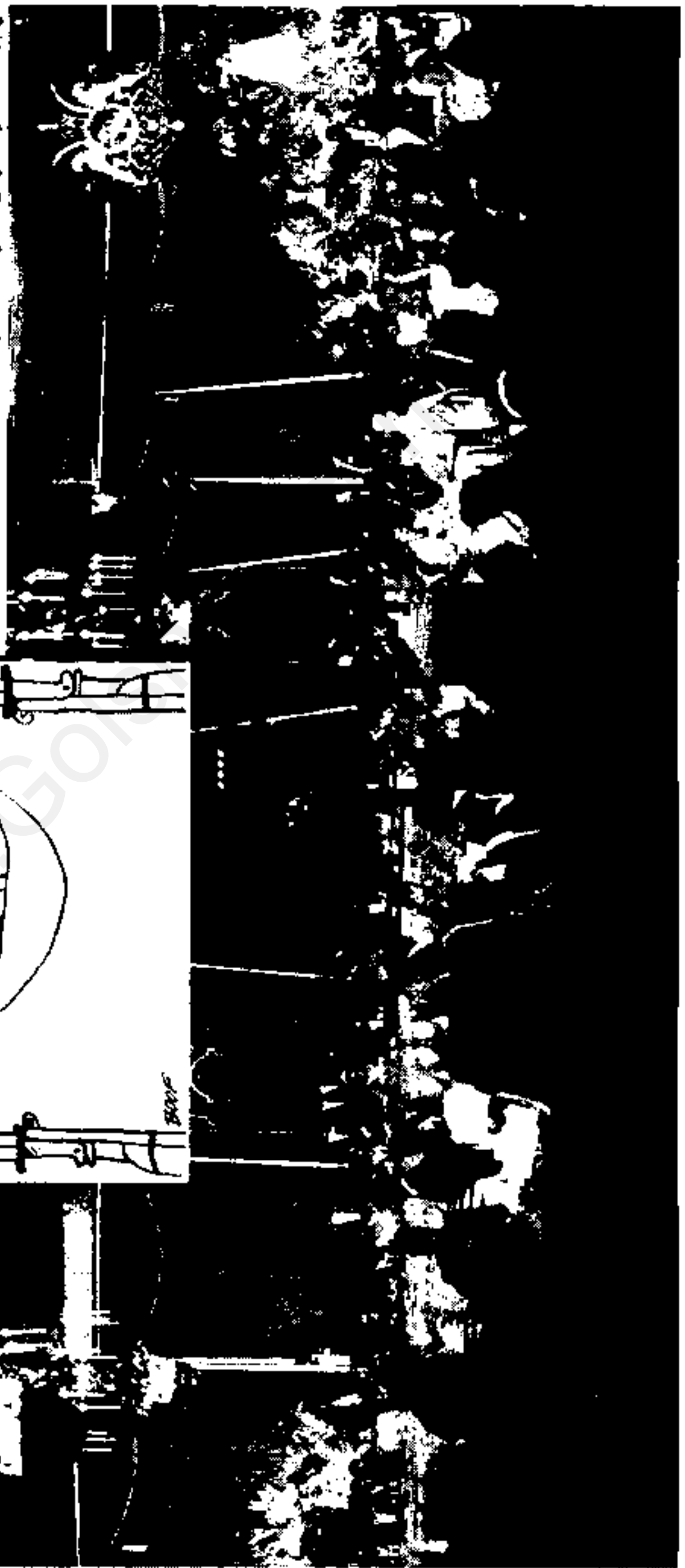
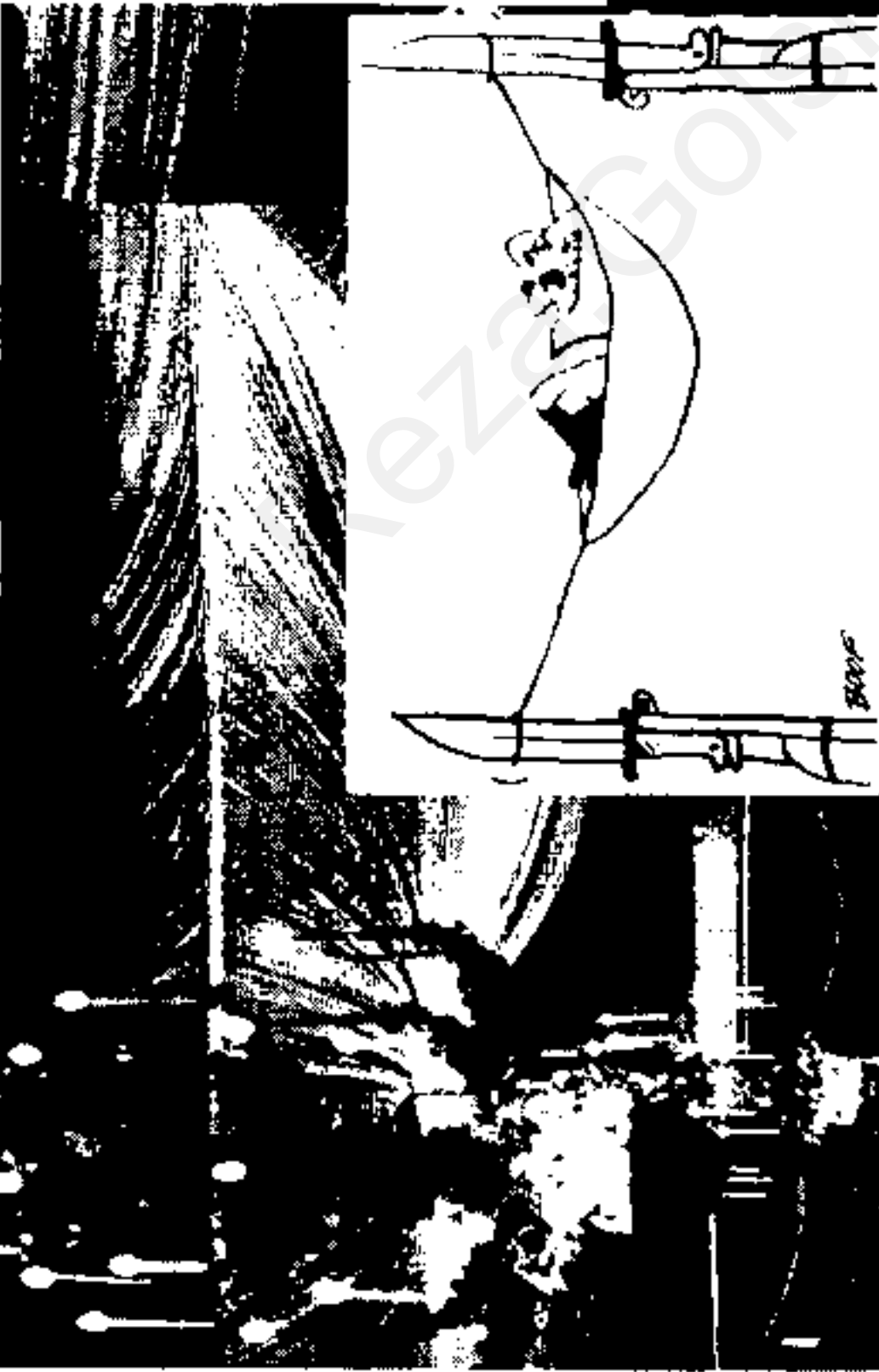
طراح اثر: امیرکبیر، همسر شاه، دریا، دانشگاه، تهران



یکشنبه آینه‌شاهمخلوع بلردیگر

یکشنبه ۱۳ شهریور ماه، اما از سوی دیگر
 طاعت جشن این کتیبه در
 آیین مراسم برای
 پادشاه و مسافران او
 بهسازی از شاه و مسافران او
 تکلیف کرده است.
 وزارت امور خارجه آمریکا
 به احتمال وجود و قیام آمریکا
 برای ساله تالیف لوس - تولی
 سخنگوی نامخلوع بر بنیاد
 پس باید هر دو نامخلوع
 شاه اظهار داشتند بر روی دست
 عمل مراسم فرا خواهد گرفت.
 هرگز از این مسیحیان باقی نماند
 یکشنبه آینه شاه در این
 مراسم است روز یکشنبه
 در جشن میانه که با
 روزی خارج شود و احتمالاً
 این عمل مراسم در روز
 یکشنبه آینه شاه خواهد
 گرفت.

عمل می شود



بانك ملی ایران

تهران

دفتـر حساب حاجی

شماره ۱

مدرس شاهنشاهی

اعلیٰ کمالی

امضاء بانك	ح	تاریخ		مبلغ	
		روز	ماه	دینار	ریال
بانك منى ابوان	...	۲۰	۱	۱۱۲۸۴۰۷۸۳	۵۰۰
بانك منى ابوان	...	۱۹	۱	۱۵۱۹۹۹	۹۵
بانك منى ابوان	...			۱۱۲۹۹۲۴۴۹	۱۵
بانك منى ابوان	...			۲۵۳۰۰۰	
بانك منى ابوان	...			۱۱۳۲۴۵۴۴۹	۱۵
بانك منى ابوان	...			۱۹۰۰۰	
بانك منى ابوان	...			۱۳۲۹۴۹۴۵	۱۵
بانك منى ابوان	...			۲۵۳۳۳	
بانك منى ابوان	...			۱۱۳۲۹۰۹۷۵	۱۵
بانك منى ابوان	...			۵۰۰۰۰	۵۰
بانك منى ابوان	...			۱۱۳۳۲۱۳۷	۹۵
بانك منى ابوان	...			۱۰۵۰۰۰	
بانك منى ابوان	...			۱۱۳۴۲۹۹۷	۹۵

مطابق اسناد کشف شده، سالانه:

۱۰۰ میلیون تومان هزینه سفر اشرف بود

برابر مفاد یک سند موجود در بین اسناد مهندس شریف امامی. چند سند مربوط به هزینه سفرهای اشرف پهلوی خواهر شاه سابق دیده می‌شود که تنها در یکی از این سندها روشن می‌کند اشرف پهلوی برای سفر به برزیل یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار «نزدیک به ده میلیون تومان» خرج کرده است.

در سند دیگر هزینه سفر خواهر شاد و همراهانش به سوئیس ۳۰۰ هزار دلار امریکایی شده است که با توجه به سفرهای متعدد اشرف به کشورهای مختلف روشن می‌شود که اشرف پهلوی هر سال ۱۰۰ میلیون تومان هزینه سفر به خارج را از بیت‌المال ملت برداشت می‌کرده است. یک نمونه سند هزینه سفر اشرف پهلوی به سوئیس را در زیر می‌خوانید:

سفر سوئیس

هیأت وزیران، در تصویب‌نامه‌ای به شماره ۴-۲۰۱ سیصد هزار دلار هزینه سفر اشرف پهلوی را در تاریخ ۲۳۵۶/۱۰/۱۲ تصویب کرد متن تصویب‌نامه از این قرار است. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۲۳۵۶/۱۰/۱۲ به استناد ماده ۴۸ قانون محاسبات عمومی و بنا به پیشنهاد شماره ۴/۲۱۶ مورخ ۲۵۲۶/۱۰/۸ دربار شاهنشاهی تصویب نمودند مبلغ بیست و یک میلیون و یکصد و هشتاد هزار ریال معادل سیصد هزار دلار امریکایی جهت هزینه مسافرت رسمی و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بکشورهای سوئیس و تایلند از محل اعتقار دولت، ردیف ۵۰۱۰۰۱ بودجه سال ۲۵۲۶ کل کشور تأمین و در اختیار پیشکاری و الاحضرت گذارده شود.

نامه را جمشید آموزگار نخست‌وزیر وقت و پانزده تن از وزیران به شرح زیر امضاء کرده‌اند:

عباسعلی خلعتبری - مهرداد پهلبد - صفی اصفیاء - محمد یگانه - ارتشبد عظیمی - امیرقاسم معینی - غلامرضا کیانپور - کریم معمدی - دکتر شجاع‌الدین شیخ الاسلام‌زاده - مهناز افخمی - منوچهر گنجی - محمود کاشفی - اسداله نصر اصفهانی - مرتضی صالحی.

کیمان

اخبار کسور

شماره ۹
پنجمه ۳۰ تیر ماه ۱۳۵۸
دوم رجب الاول ۱۴۰۰ - شماره ۱۰۹۰۹

مصاحبه اختصاصی شاه مخلوع با خبرنگار انگلیسی

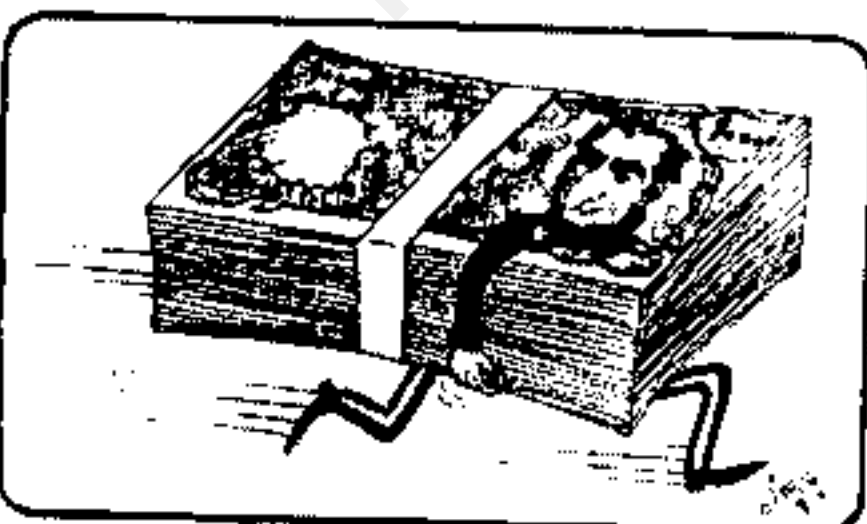


شاه ایران، شاه مخلوع، با خبرنگار انگلیسی مصاحبه می‌کند. در این مصاحبه شاه مخلوع از اوضاع ایران و جهان و همچنین از دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران سخن می‌گوید.

شاه ایران، شاه مخلوع، با خبرنگار انگلیسی مصاحبه می‌کند. در این مصاحبه شاه مخلوع از اوضاع ایران و جهان و همچنین از دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران سخن می‌گوید. شاه مخلوع اظهار می‌کند که او در جریان این مصاحبه به سؤالات مختلف خبرنگار پاسخ داده است و به اوضاع داخلی و خارجی ایران و همچنین به موضوعات بین‌المللی اشاره کرده است. شاه مخلوع همچنین به نقش خود در شاهنشاهی ایران و به دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران اشاره کرده است.

شاه ایران، شاه مخلوع، با خبرنگار انگلیسی مصاحبه می‌کند. در این مصاحبه شاه مخلوع از اوضاع ایران و جهان و همچنین از دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران سخن می‌گوید. شاه مخلوع اظهار می‌کند که او در جریان این مصاحبه به سؤالات مختلف خبرنگار پاسخ داده است و به اوضاع داخلی و خارجی ایران و همچنین به موضوعات بین‌المللی اشاره کرده است. شاه مخلوع همچنین به نقش خود در شاهنشاهی ایران و به دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران اشاره کرده است.

شاه ایران، شاه مخلوع، با خبرنگار انگلیسی مصاحبه می‌کند. در این مصاحبه شاه مخلوع از اوضاع ایران و جهان و همچنین از دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران سخن می‌گوید. شاه مخلوع اظهار می‌کند که او در جریان این مصاحبه به سؤالات مختلف خبرنگار پاسخ داده است و به اوضاع داخلی و خارجی ایران و همچنین به موضوعات بین‌المللی اشاره کرده است. شاه مخلوع همچنین به نقش خود در شاهنشاهی ایران و به دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران اشاره کرده است.



شاه ایران، شاه مخلوع، با خبرنگار انگلیسی مصاحبه می‌کند. در این مصاحبه شاه مخلوع از اوضاع ایران و جهان و همچنین از دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران سخن می‌گوید. شاه مخلوع اظهار می‌کند که او در جریان این مصاحبه به سؤالات مختلف خبرنگار پاسخ داده است و به اوضاع داخلی و خارجی ایران و همچنین به موضوعات بین‌المللی اشاره کرده است. شاه مخلوع همچنین به نقش خود در شاهنشاهی ایران و به دیدگاه خود در مورد شاهنشاهی ایران اشاره کرده است.

آخرین روزها و آخرین کلمات شاه سابق در ایران
در ماههای آخر، قدرت به دست فرح افتاده بود

خبرنگار مجله اشپیگل در یکی از آخرین روزهای اقامت شاه سابق در ایران، با او مصاحبه کرد. او می‌نویسد در آن روزها کاخ نیاوران چنان ساکت بود که گویی به جای آدمها اشباح در آنجا رفت و آمد می‌کنند. دیگر تشریفات درباری در کار نبود. دیگر کسی را به هنگام ورود به کاخ تفتیش بدنی نمی‌کردند. تمام مقررات امنیتی بهم ریخته بود. از پیشخدمت‌های اونیفورم پوش دیگر اثری نبود. آجودانها و کارمندان دربار مثل این بود که غیب شده باشند.

در اتاق انتظار شاه، اردشیر زاهدی، هوشنگ نهاوندی، عبدالله انتظام و تعدادی از ژنرالها متوحش و رنگ پریده قدم می‌زدند و دست به دست می‌مالیدند. خوب معلوم بود که کشتی در حال غرق شدن است. در دفتر شاه او پیر و شکسته، با موی سفید، صورتی تیره و پلک چشمهای سرخ به زحمت تبسمی غم‌انگیز بر لبانش آورد و گفت خود را با دارو سـرپا نـگه مـی‌دارد. مـی‌گفت:

«مردم به مفهوم واقعی کلمه ناسپاس و قدرناشناس هستند. صبر و قوه تعقل ندارند. مرده شور این جور تعطیلات رفتن را ببرد. مرا دارند برخلاف میل خودم و شهبانو به تعطیلات می‌فرستند. اگر دست خودم بود در اواسط پاییز می‌رفتم. زنم بود که مجبورم کرد اینجا بمانم. زن شجاع و فوق‌العاده‌ایست. مطمئن باشید روزی ایرانیها افسوس او را خواهند خورد. در پیشرفتهای اجتماعی نقش مؤثری بازی کرد. خود را درست وقف کمک به بینوایان و تیره‌بختان کرد... به اعتقاد من اسم این زن، زمانی در تاریخ ایران با حروف زرین نوشته خواهد شد.

شاه همچنین گفته بود:

«آینه تاریخ جلو روی من است. در آن به وضوح می‌بینم که شاهان رفته، حتی اگر شورای سلطنت هم پشت سر گذاشته باشند، بندرت بازگشته‌اند، ملک

فاروق و اعلیحضرت کنستانتین پادشاه یونان و دیگران... مصر و اتیوپی هم
رژیمهای سلطنتی کهن داشتند...»

درباره دوستان شاه از او سؤال شد و او گفت:

«دوست؟ کدام دوست؟ دوستان از ماهها قبل مرا ترک کردند و با پولهایی که
دزدیده بودند به آمریکا و اروپا رفتند. حالا دارند در شانزه لیزه و کالیفرنیا
گردش می‌کنند. دوستان خارجی هم حمایتشان را از من دریغ کرده‌اند.
مثل اینکه اصلاً مرا ندیده و نمی‌شناسند و هر وقت مرا ببینند رو
برمی‌گردانند. عجالتاً تنها و بی‌کس هستم. فقط چند نفری دوروبرم باقی
مانده‌اند که آن‌ها هم به نوبه خود تنها و بی‌کس مانده‌اند اطرافیان من تا توانستند
بار خود را بستند. حتی افراد فامیل خود من نیز به من رحم نکردند.

تا توانستند دزدیدند، چاپیدند و من و شهبانوی بیچاره را بدنام کردند. باید
آنها را گرفت و پدرشان را درآورد. حتی اگر زن خود من باشد، که یقین دارم از
هر اتهامی مبرا است. شهبانو هر چه می‌توانست بکند، مضایقه نکرده. با صدها
تن از شخصیتها ملاقات کرده. با گروههای مختلف زنها ملاقات کرده و از آن‌ها
پرسیده آیا می‌خواهید از تمام حق و حقوقی که ۱۵ سال قبل به شما اعطا کردیم
صرفنظر کنید؟ آیا می‌خواهید به دوران کنیزی که این روزها به شما پیشنهاد
می‌شود، باز گردید؟ آیا حاضرید مجدداً اسباب‌بازی، آلت دست، کلفت و فقط
وسیله دفع شهوت مرد بشوید؟ آیا حاضرید از قانون حمایت خانواده صرفنظر
کنید و دوباره به زیر کفن سیاه پناه ببرید؟»

در پاسخ این سؤال که آیا خودش خیال می‌کند خطاهایی هم مرتکب شده است، شاه
هم می‌گوید:

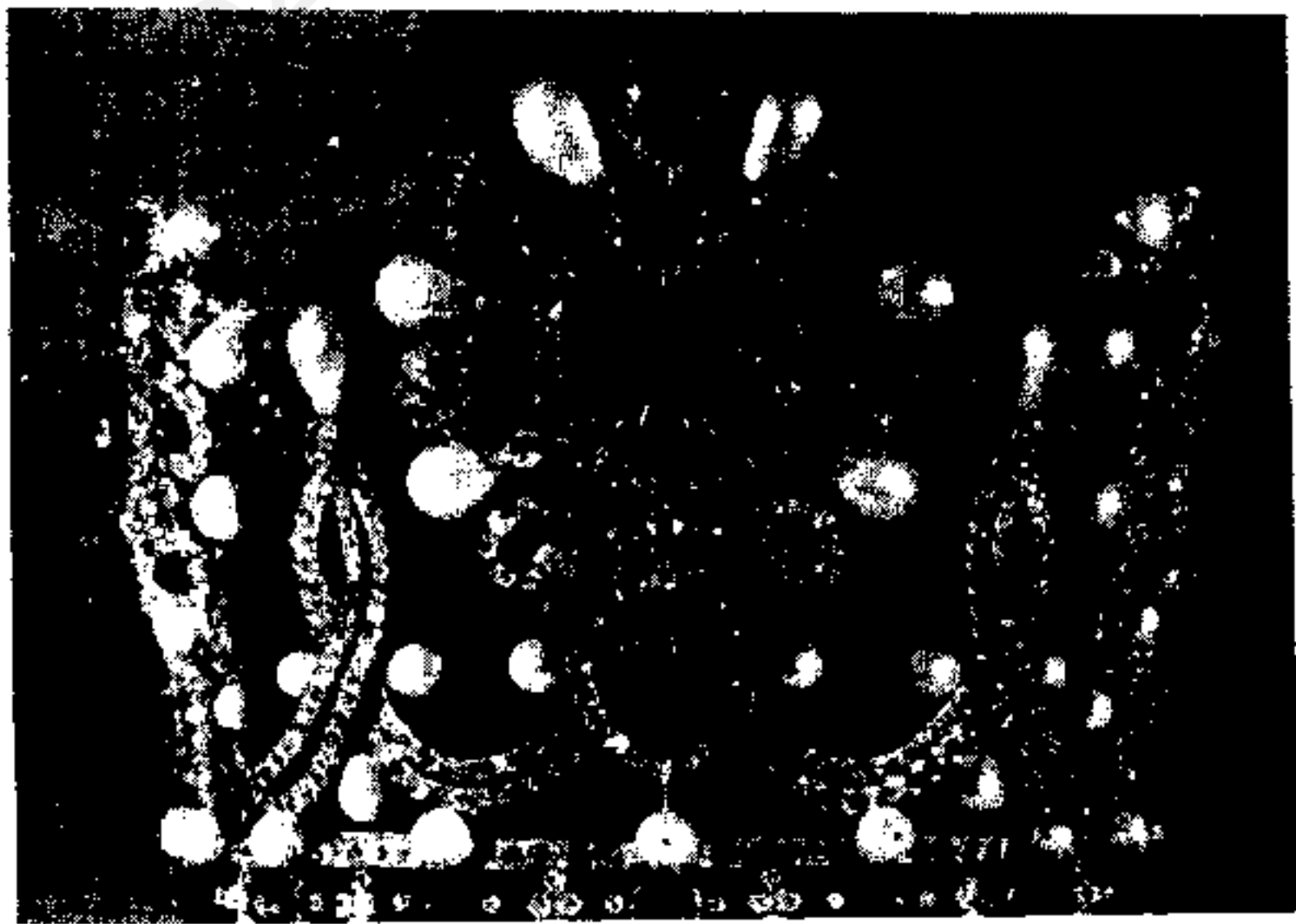
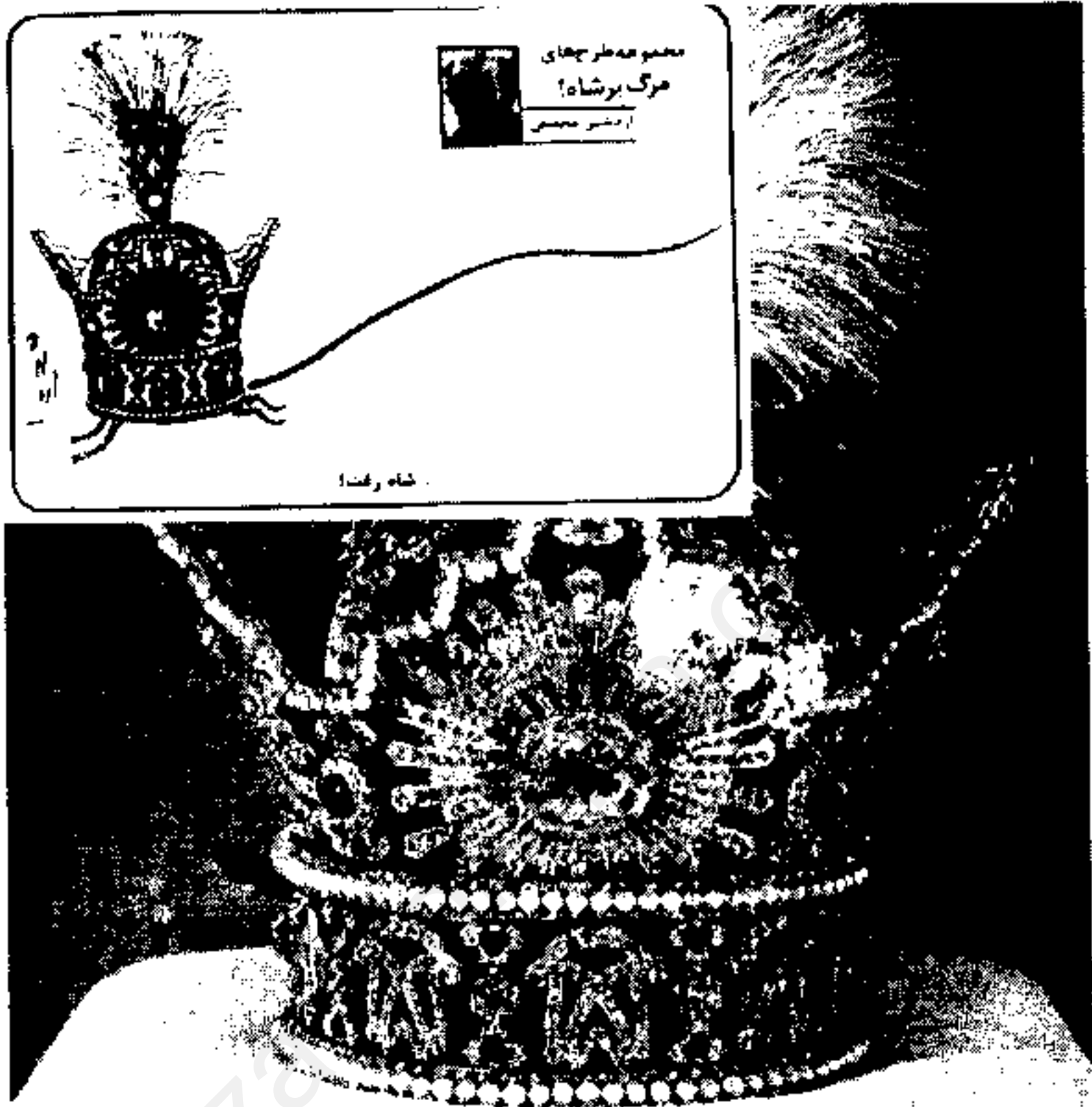
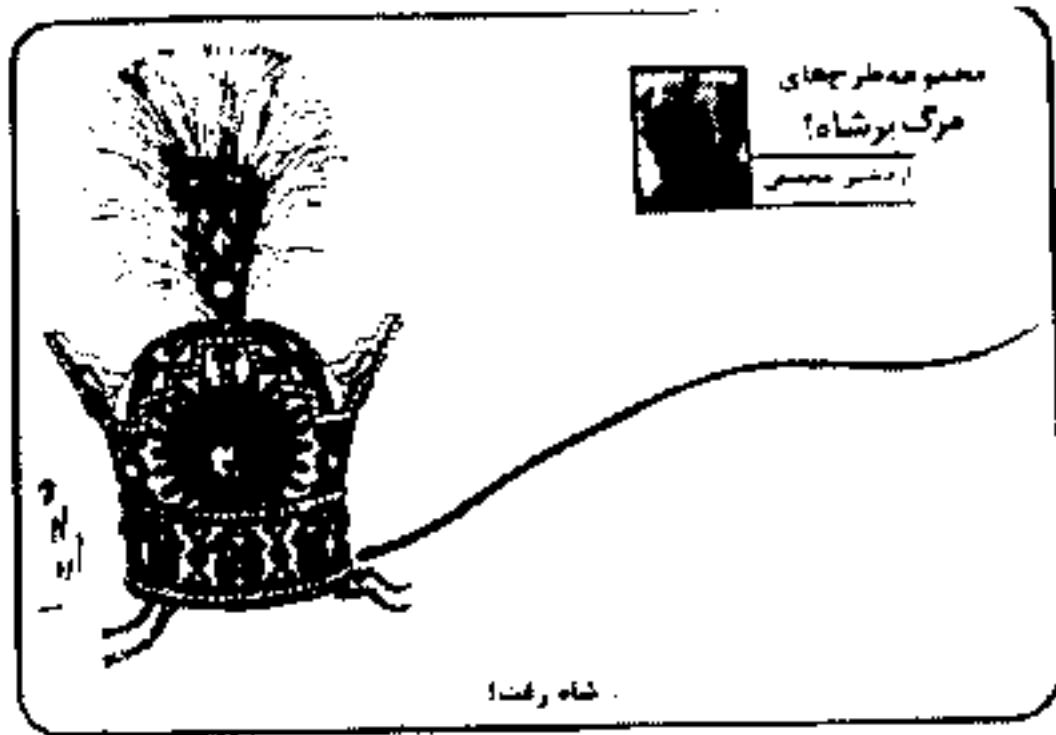
«در این دنیا کسی را سراغ دارید که خطا نکرده باشد؟ حتی از مردان بزرگی
مثل چرچیل، روزولت، کندی، دوگل نیز خطاهایی سر زده است. من به خطاها
اعتراف می‌کنم، اما می‌توانم کارنامه مثبتی هم ارائه بدهم. من با مشقات و
فداکاریهای بسیار ملت را از شرایط قرون وسطایی به زندگی امروز رهنمون
شدم. بگذارید من بروم و چند ماهی بگذرد، خودتان می‌بینید که ایرانیها چگونه

حسرت مرا خواهند خورد.»

خبرنگار اشپیگل می نویسد وقتی فرح وارد اتاق می شود، چشمهایش را می بینم که از بیخوابی سرخ است. وقتی خبرنگار از فرح می پرسد که آیا اوست که مانع خروج شاه از کشور است. فرح نگاه تندی به شوهرش می اندازد و می گوید با شوهرش فقط درباره تاریخ مسافرت اختلاف نظر داشته است و می خواسته است وقتی بروند که دیگر قانون خیابان حکمفرما نباشد.

خبرنگار از او می پرسد «به اعتقاد شما این رفتن شما بدون بازگشت است؟» و فرح جواب می دهد:

«اوه نه، بدون تردید نه. من فقط به یک مرخصی طولانی فکر می کنم. آنقدر طولانی که تب خیابان فرو بنشیند و تاج و تخت نجات پیدا کند. ما دیگر برای خودمان توقعی نداریم، ولی برای پسرمان چرا. می خواهیم ترتیبی بدهیم که اقلاً برای او امکان بازگشت وجود داشته باشد. این روزها از جمهوری حرف می زنند. ایرانیها اصلاً نمی دانند که جمهوری چیست. مملکت ما هیچوقت جمهوری نبوده است. ملت اصرار دارد که ما برویم؟ بسیار خوب، ما هم خواهیم رفت ولی ملت باید بداند که رفتن ما، با بازگشت است و نه بی بازگشت. ما ایرانی هستیم و جای ما هم در همین مملکت است. پدرم در همین جا به خاک سپرده شده است. قبر پدر شوهرم هم همین جا است.»



شاه می‌گوید به استعفا کردن به نفع پسرش هم فکر کرده است و امیدوار است که شاید شورای سلطنت بتواند در غیبت او کارها را جمع و جور کند. اما می‌گوید:

«من به ایران مراجعت خواهم کرد. نمی‌خواهم مثل سلاطین تبعیدی و مخلوعی بشوم که از این کشور به آن کشور و از این قصر به آن قصر پرت می‌زنند و همه جا ویزاگدایی می‌کنند.»

فرح دنباله حرف او را می‌گیرد و می‌گوید:

«مطمئن باشید که ایران آینده در دستهای پسر ما قرار خواهد گرفت. ما او را برای همین کار تربیت کرده‌ایم. نسل جوان ایران او را دوست دارد. فراموش نکنید که یک سوم ایرانیها بیست سال هستند.»

خبرنگار می‌پرسد: آیا این همه تنفر ملت را انتظار داشتید؟ فرح جواب می‌دهد:

«اصلاً و ابداً. سخت به حیرت فرو رفته‌ام.»

خبرنگار آنگاه از شاه می‌پرسد که چه احساسی دارد و او می‌گوید:

«یک اندوه خیلی خیلی بزرگ. من واقعاً خسته‌ام.»

نقش فرح چه بود؟

از این مصاحبه چند چیز نمایان می‌شود. اول اینکه آنها که در روزهای قدرت شاه ایران را جزو اموال شخصی خود به حساب می‌آوردند در روزهای گرفتاری چه زود از هم می‌پاشند.

از طرفی معلوم می‌شود که او واقعاً چقدر مردم را بی‌مقدار و کور می‌دانسته است. اما مهمترین نکته اینست که در ماههای آخر دوران شاه، کارها بدست فرح افتاده بود و احتمالاً بسیاری از کشتارها با تأیید یا حتی تجویز او که همیشه سعی می‌کرد قیافه مهربانی بخود بگیرد، انجام میشده است. وقتی شاه از شجاعت زنش حرف می‌زند، با توجه به روحیه بیرحم او می‌توان تصور کرد که منظورش چیست.

شاه از آن آدمهای ضعیف‌النفسی بود که یارای مبارزه برابر را نداشت و همیشه در چنین اوضاعی می‌گذاشت و در می‌رفت همانطور که در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ فرار کرد. در

واقع به علت همین ضعف نفس بود که هر جا اندک مخالفتی می‌دید، چنان دستپاچه می‌شد که نا تابود کردن آن مخالفت با تمام قوا نمی‌توانست آسوده بماند. بنابراین شاه در پائیز آماده رفتن از ایران شده بود. اما فرح بود که تصمیم به جنگیدن با مردم گرفته بود. او بود که برای نجات موقعیت خود به دسیسه‌هایی که خودش خیال می‌کرد مؤثر خواهند بود پرداخته بود. با این و آن ملاقات می‌کرد و سعی می‌کرد آنها را وسوسه و تحریک کند. به گمان خودش با «گروه‌های مختلف مردم» صحبت کرده بود، غافل از اینکه اینها فقط کسانی هستند که مترصدند هر چه زودتر خود را از مهلکه برهانند. خیال می‌کرد حرفهای او به گوش «این مردمی که از هیچ چیز سردر نمی‌آورند و عقلشان به این چیزها نمی‌رسد» خواهد رسید و ناگهان هر چه را در ۵ سال به سرشان آمده کنار می‌گذارند و وحشت برشان می‌دارد و به مخالفت با انقلاب خواهند پرداخت. فخر فروختن او به «حق و حقوقی که ۱۵ سال قبل به شما اعطا کردیم» و هشدارهایش درباره «دوران کنیزی، کلفت شدن، کفن سیاه به زنها» درجه نفهمی و پرت بودنش را نشان می‌دهد.

توصیف فرح از انقلاب، فقط «قانون خیابان» است و اصلاً به بازنگشتن فکر نمی‌کند. حرص قدرت برای خودش و پسرش او را گرفته است. چنان از «ملت باید بداند که رفتن ما با بازگشت است، نه بی‌بازگشت» حرف می‌زند که گویی می‌خواهد به خدمه‌اش توپ و تشر بزند. تملق درباریان چنان کورش کرده که واقعاً خیال می‌کند جوانان فدایی پسرش هستند. امیدش به جوانان است و می‌گوید «فراموش نکنید که یک سوم ایرانیها زیر بیست سال هستند» ما که می‌دانیم اتفاقاً بخش بزرگی از انقلاب و شاید بزرگترین بخش آن را همین جوانان کردند، از این اوهام مالیخولیایی فرح فقط خنده‌مان می‌گیرد.

شاه درمانده و تسلیم است و حاضر است دربرود. اما فرح سرچنگ دارد و معلوم نیست تا کجا حاضر است پیش برود، سینما رکس؟ ۱۷ شهریور؟ کشتارهای نجف آباد؟ قزوین؟ مشهد؟ کرمانشاه؟ شبهای محرم؟



امام خمینی از تبعید تا بازگشت

رهبری که همیشه به ظلم «نه» گفت...

روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دشمنان مردم امام خمینی را تبعید کردند. ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ امام، بعنوان رهبر انقلاب به کشور بازمی‌گردد.

گزارش روز

ملت اسلام دیگر بیدار شده، دیگر نمی‌نشیند اگر من هم برگردم، ملت اسلام بر نمی‌گردد. اشتباه می‌کنید اگر جمعیتی هم با شما سازش کند، ملت اسلام با شما سازش نمی‌کند اشتباه نکنید، ما در همان سنگری که بودیم هستیم. با تمام تصویب‌نامه‌های مخالف اسلام که گذشته مخالفیم با تمام زور و قدرت مخالفیم. با تمام فشارهایی که به ملت می‌کنید مخالفیم.

آنکه ۱۵ سال پیش در آخرین خطابه‌اش در مدرسه فیضیه قم خطاب به حاضران چنین گفت و حرف‌هایش استبداد را خوش نیامد و کار به تبعید کشید. امروز بار دیگر به میان مردم اراده بازگشته است مردی که سراسر عمرش جو «نه» در برابر ظلم کلامی نگفت و هیچگاه از مبارزه دست برنداشت. بار دیگر به خاک کشورش پای گذاشته است تا مبارزه را تا سرحد پیروزی در کنار ملتی که همیشه با او بوده‌اند هدایت کند. خمینی اکنون در میان ماست. بسیاری از آنها که ظهر روز عاشورای سال ۱۳۴۲ پیش از آنکه «پیشوا» نطقش را شروع کند فریاد کشیده بودند: زنده باد خمینی، پیروز باد اسلام، مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر دشمنان اسلام

و... اکنون در میان نیستند، ولی فریاد آنها رساتر و پرتنین‌تر زمین و زمان را می‌لرزاند. اکنون ملتی همصدا و هم‌پیمان علیه ظالم و بیدادگریهای استعمار و استبداد به پا خاسته و آنکه نخستین ندا را سر داد تا امروز ملتی آنرا فریاد کند، بار دیگر اینجاست. تا نیمه شب دوازدهم محرم - ۱۵ خرداد - ۱۳۴۲ که پیشوا مشغول وضو گرفتن برای نماز شب بود، آن شب مأموران جنایت پیشه از دیوار خانه‌اش بالا رفتند و همچون دزدان و طراران آقا را طلب کردند. بیرون خانه یک فولکس واگن آماده بردن «آقا» بود آقا با